



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
 رتال جامع علوم اسلامی

بحث جالبی مطرح است. مری باید از طریق
 قدرت‌نمایی و اقتدار در متری نفوذ یابد. یا
 اینکه بوسیله ابراز محبت و مهردل او را بدست
 آورد. مری کدام راه را باید انتخاب کند راه
 اقتدار و سلطه طلبی را یا راه محبت و مهرورزی را
 نکته جالب اینکه بحث در نفوذ یافتن بر متری
 است. یعنی مری چه روشی را انتخاب کند تا راه
 نفوذ بر متری برویش گشوده گردد.

دیدگاه ترسیمی اسلام با این طرز تفکر مغایر
 است. چه، اسلام در درجه اول بحث از انتخاب
 راه و روش نفوذ بر دیگران را مطرح نمی‌سازد
 بلکه اولهن چیزی را که اسلام آن را مطرح می‌سازد
 خودسازی است و این خود سازی منهای دیگران

رهن نفوذ در دیگران

آنحضرت بنمایم ابهت و عظمت و وقار و طمانینه آن حضرت مجال سخن گفتن را از من سلب کرده بود.

مطالعه در رفتار پیامبر بزرگوار این واقعیت را آشکار می سازد که رمز نفوذی پیامبر در انسان هائی که باو ایمان آورده بودند در پرتو یک انسان نمونه و متعالی بودن بوده است نه محبت کردن.

لذا در آیات قرآن باین نکته اشاره شده است

آنجا که میفرماید:
 فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنَسْتَلِيهِمْ وَ لَوْ كُنْتُمْ فَظًا
 عَلِيمٌ الْقَلْبِ لَأَخَذْتُم مِّنْ حَوْلِكُمْ

در پرتو چه رحمتی از خدا بر انسان ها نرم و ملایم سدی که اگر تند و خشن بودی هر آینه از اطراف تو پراکنده میشدند.

در مورد دیگری از قرآن میفرماید إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ ، ای پیامبر راستی چقدر اخلاق و خوی تو بسندیده است . پس بخوبی آشکار می گردد که رمز موفقیت پیامبر بزرگوار در پرتو اخلاق بسندیده و یک انسان نمونه بودن بوده است.

همه باید باین نکته روانی توجه داشته باشیم انسان ها همه در برابر کمال خاضع و خاشع میباشند. یک خط زیبا، یک نابوی شاهکار، یک طلوع درخشان و یک غروب زیبا و دل فریب یک رفتار انسانی و متعالی یک گذشت انسانی و غیره، انسانی را بخود جذب مینماید. وقتی انسان در برابر کمال بخضوع در میآید لامحاله انسانی که دارای آن کمال بوده ارزش و بهاء پیدا میکند و در نتیجه انسان صاحب کمال ما را بخود جذب مینماید.

مطرح بوده و کاری به متربی و شاگرد و مرید ندارد. از نظر اسلام هر انسانی وظیفه دارد خویش را صیقل داده روحیات ارزنده انسانی را از کمون وجود خود استخراج نماید و بعبارتی دیگر بگوید تا مظهر انوار الهی و صفات متعالی گردد.

لذا دستور داده اند که تَخَلَّقُوا بِاخْلَاقِ اللَّهِ بِكُوشِيدِنَا اخْلَاقِ اللَّهِ فِي شِمَا مُتَجَلِيٍّ گردد و شما مظهر صفات جمال و کمال الهی گردید مطالعه در آیات قرآن این واقعیت را آشکار می سازد که عزت و شکوه از آن خدا و پیامبران و مومنین است.

آنجا که میفرماید: وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

یعنی شکوه و عظمت و تعالی در انحصار خدا و پیامبر و مومنین است. بدیهی است که این تعالی و عظمت بر محور زور و زور و قدرت مندی و معیارهای قومی و فامیلی دور نزده بلکه بر اساس خود سازی و تزکیه و تهذیب دور میزند و نیز واضح و روشن است که هر قدر نفوای انسان عمیق تر باشد احترام و شخصیت او نزد خدا و خلق خدا بیشتر و کاملتر خواهد بود در شب معراج، پروردگار به پیامبرش فرمود: چنین انسان های شایسته ای را هیبت و شکوه خاصی خواهیم بخشید لِأَرْزِقْنَهُ بِالْهَيْبَةِ وَالْعِظْمَةِ یعنی انسان های مهذب را هیبت و شکوهی خواهیم بخشید تا انسان ها در برابر آنان بخضوع و خضوع درآیند. در روایات اسلامی آمده است که علی علیه السلام میفرمود صحگاهی بزیارت پیامبر بزرگوار نائل آمدم. آنحضرت آنچنان عظمت و شکوهی داشت که مرا یارای سؤال کردن نبود هر چه میخواستم سئوالاتی از

از همین روی اسلام بجای نفوذ یابی بر دیگران اینطور دستور می دهد که انسان ها باید خود را متعالی و مهذب گردانند. انسان ها بخود سازی پرداخته ذخائر معنوی و روحی و اخلاقی خود را استخراج نمایند. مسلم است وقتی معادن وجودی انسان کشف و استخراج گردد همه انسان ها متوجه آنان شده بسوی آن فرد متعالی بحرکت در خواهند آمد .

لذا امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید: **كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ إِلَيْنَا بِغَيْرِ السِّنَةِ عَسَ كُمْ** یعنی شما انسان ها باید بکوشید با رفتار و کردار خود انسان ها را بسوی ما دعوت کنید یعنی رفتار و کردار شما آنقدر باید متعالی باشد که خود بخود انسان ها را جذب نماید. دیگر نیازی به دعوت کردن زبانی نباشد .

در خاتمه باید متذکر شد که عالیترین سطح نفوذیابی بردیگران از همین راه بدست می آید زیرا سلطه و نفوذیابی در پرتو مدارج و امکانات مادی سطحی بوده فاقد هر نوع عمق و تائید حقیقی است و اگر نفوذی هم داشته باشد سطحی و موقت خواهد بود .

بهترین راه نفوذ بر متری و شاگرد و فرزند برخورداری انسان از کمالات واقعی و حقیقی انسان است. وقتی معلمی واقعا " خود را انسان نمونه قرار داده باشد بدون تردید چنین معلمی از عظمت و تعالی خاصی برخوردار بوده همه در برابرش بخضوع در خواهند آمد .

بعنوان نمونه در تاریخ اسلام آمده است که امام جعفر صادق علیه السلام غلام خود را برای انجام کاری فرستاد آنحضرت در انتظار بازگشت آن غلام بود. مدتی گذشت از آمدن آن غلام خبری و نشانه ای بدست نیامد بناچار آنحضرت دنبال او حرکت کرده در بین راه مشاهده کرد که غلام زیر درختی آرمیده بخواب رفته است. آنحضرت با بادبزنی که در دست خود داشت او را باد میزد اینکار را آنقدر ادامه داد تا غلام خود بیدار شد. ملاحظه این بزرگی و این تعالی بدیهی است تا اعماق قلب غلام اثر گذاشته او را با همه وجود بخضوع و خواهد داشت. اسلام راه نفوذ بردیگران را بر همین معیارها قرار داده است و بعبارت روشن تر اسلام می گوید انسان ها باید همانند نور روشنائی داشته باشند. روشن است همه انسانها شیفته و بیقرار نور میباشند هر کجا نوری را مشاهده کنند بی اختیار بسوی آن کشیده خواهند شد .

اسلام میگوید همه انسان ها باید مانند آب پاکی و پاکیزگی پیدا کنند. بدیهی است هر جا پاکی و طهارتی بچشم بخورد انسان ها بدون اختیار بسوی او روان خواهند شد. تاکنون دیده نشده است که فردی چهره خود را با آب کثیف و آلوده بشوید و یا انسانی بسه ظلمت و تاریکی علاقه و شوق ابراز دارد .





درآدر گلشن باقی ، برآ بریام ، کان ساقی
 زینهان خانه غیبی پیام آورد مستان را
 چو خوبان حله پوشیدند در آدر باغ و پس بنگر
 که ساقی هرچه در باید تمام آورد مستان را
 که جانهارا بهار آورد و مارا روی یار آورد
 ببین کز جمله دولتها کدام آورد مستان را
 آری بهار آمده اما عید ؟ هنگام عیدما
 فرا نرسیده چه بزرگان گفته اند عید ما روزی
 است کز ظلم آتاری نباشد چگونه عید
 را برگزار کنیم که اکثر خانواده هاما در عزا
 و سوگ عزیزانمان نشسته اند . کلبه هاما ویران
 شده ، چراغ هاما خاموش است ، دیو نعره
 می کشد و سیاهی و بدبختی و بمب فرومی ریزد .
 در تاریکی ها و در دخمه های سیاه که نمی توان
 عید گرفت . اما بزودی عید میگیریم و سرود
 پیروزی میخوانیم و بر آنچه بدست آورده ایم
 نماز شکر می گزاریم و بوسه بر سر و بازوی
 رزمندگانمان میزنیم که اینها آموز گاران ما
 هستند و با شغ وجود خود بما آموختند که
 که هیچ جلالی و شکوهی زیباتر از تقدیم جان
 به معبود نیست . جای آن دارد که اگر هزار

جان هم میداشتیم در برابر خواست او فدا
 میکردیم . ما نمی گذاریم خفاش ها در
 تاریکی ها حکومت کنند . ما سپاه نور هستیم
 و بر تاریکی ها و پلیدی ها می نازیم و آنها
 را نابود می کنیم . باید آماده باشیم و همیشه
 آماده . مبادا فراموش کنیم درجه فضائی زندگی
 می کنیم و باچه ابر جنایتکارانی در جنگیم و
 در برابر شهیدانمان چه رسالتی داریم . ما
 روزی به جشن می نشینیم که با پیروزی ما جنگ
 پایان یافته و به تاریخ سپرده شده باشد .
 باین امید فرارسیدن سال نو را به همه شما
 اولیاء گرامی و مربیان عزیز تبریک و تهنیت
 میگوئیم و امید آن داریم که سال جدید سال
 شکوفائی و بیداری هرچه بیشتر فطرتها پاک
 سال باروری اندیشه ها ، سال تزکیه و بلوغ
 همه ما ، سال پیروزی نهائی دلاورانمان در
 جبهه های نور علیه ظلمت و سال هرچه بهتر
 شدن همه ما باشد .

شاد و پیروز باشید .

مجله پیوند

پیوند اسفند و فروردین . . . چرا ؟

اسفند در نیمه دوم اسفند ماه و مجله فروردین
 در اواسط فروردین می بایستی بدست شما
 خوانندگان عزیز در دور افتادترین نقاط مملکت
 برسد . چون مدارس تعطیل بودند این هدیه
 ما دیر تقدیم میشد . اینک سعی شده دو شماره
 را باهم زمانی تقدیم کنیم که قبل از تعطیلات
 بدست شما برسد که هم در جدول زمانی عقب
 نباشیم و هم فرصتی که در تعطیلات برای
 اولیاء و مربیان وجود دارد با دقت و اطمینان
 نظر بیشتری مطالعه شود .

به پیشنهاد عده ای صاحب نظر و نائیب
 همگان بر آن شدیم که مجله اسفند و فروردین را
 باهم و در یک جلد حضورتان تقدیم کنیم .
 باتوجه به تعداد صفحات این پیوند که معادل
 دو مجله است بیشترین انگیزه ما تعطیلات
 عید نوروز و بسته بودن مدارس و سنگینی بار
 پست در توزیع بویژه در این ایام بود . مجله